



Imam Sadiq Research Institute  
for Islamic Sciences

Research Institute for Political  
and Defence Studies

P. ISSN: 2795-2538 & E. ISSN: 2783-1999

Website: <http://sjs.isri.ac.ir>

Volume : 4 ; Number : 7

## Analyzing the Place of Theology in the Epistemic Sources of the Modern Islamic Civilization

Asadoallah Kurd Firoozjae \*

<https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.446225.1097>

Received: 2024/02/28; Accepted: 2024/06/02

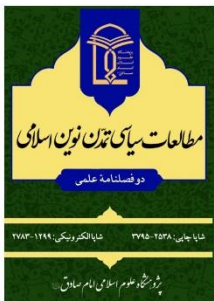
Type of Article: Research

PP: 127-141

### Abstract

The Ummah of the modern Islamic civilization, with the description of religion and commitment to Islamic beliefs, morals and rules, needs knowledge sources such as; It is revelation, intellect and the like so that it can be powerful and powerful in establishing and rehabilitating the new Islamic civilization by understanding and practicing the three teachings. Theology is also one of the sciences that is responsible for examining and evaluating this type of knowledge sources. From this point of view, the research and analysis of the place of theology in the knowledge sources of the modern Islamic civilization is important. Because some people may deny the existence of knowledge sources from religious sciences for the civilized society, and this can destabilize the establishment and rehabilitation of modern Islamic civilization. From this point of view, research in it is considered necessary for increasing knowledge. Therefore, this article is trying to answer the question, what is the place of theology in the knowledge sources of the modern Islamic civilization? It is assumed that theological science has the responsibility of evaluating and correctness of the knowledge sources of the modern Islamic civilization, such as revelation and reason, and in this sense, it has a fundamental role to play. The present article tries to analyze the place of theology in the epistemic resources of the Ummah of the modern Islamic civilization with library and software tools and the method of data description and analysis, and the findings show that the science of theology plays a constructive role in preserving the Islam of the Ummah of the modern Islamic civilization. So, it can be seen that the nation of the modern Islamic civilization is dependent on theology in terms of knowledge sources.

**Keywords:** Theology, New civilization, Epistemological Sources, Intellect, Revelation.



\*. Associate Professor of Islamic Philosophy and Theology, Imam Sadiq Research Institute, Qom, Iran, [ekf474@yahoo.com](mailto:ekf474@yahoo.com).



پژوهشگاه علوم اسلام صادق  
پژوهشکده مطالعات سیاسی و دفاعی  
P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299  
نشانی پانگه شماره: http://sjs.isri.ac.ir  
سال چهارم، شماره هفتم

## واکاوی نقش علم کلام در منابع معرفتی امت تمدن نوین اسلامی

اسداله کرد فیروزجانی\*

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.446225.1097>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۳/۱۳

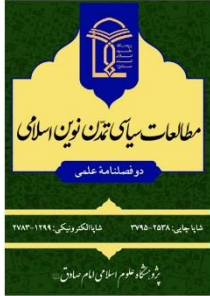
نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۱۴۱-۱۲۷

### چکیده

امت تمدن نوین اسلامی، با وصف دیانت و تعهد به عقاید، اخلاق و احکام اسلامی، به منابع معرفتی، همچون وحی و عقل، نیازمند است تا بتواند با فهم آموزه‌های سه‌گانه و عمل به آن‌ها، در استقرار و توان بخشی به این تمدن، توانا و قدرتمند باشد. علم کلام از جمله علمی است که بخشی از آن، متکفل ارزشیابی این نوع منابع معرفتی است؛ از این رو، پژوهش و واکاوی نقش علم کلام در منابع معرفتی امت تمدن نوین اسلامی از اهمیت برخوردار است. از آنجاکه ممکن است برخی از افراد، در سایه عقل‌بستگی منتسب به انسان مدرن، وجود منابع معرفتی برخاسته از علوم دینی را برای مردم جامعه متمدن منکر شوند و این امر، می‌تواند استقرار و توان بخشی تمدن نوین اسلامی را دچار تزلزل کند، این پژوهش برای معرفت‌افزایی، لازم‌تلقی می‌گردد. این مقاله در تلاش است تا به این پرسش پاسخ دهد که نقش علم کلام در منابع معرفتی امت تمدن نوین اسلامی چیست؟ فرض بر این است که علم کلام در ارزشیابی صحت و سقم منابع معرفتی این امت، نظیر وحی و عقل، مسئول است؛ بنابراین، دارای نقش‌آفرینی اساسی است. مقاله پیش‌رو می‌کوشد تا با ابزار کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و روش توصیف و تحلیل داده‌ها، به واکاوی نقش علم کلام در منابع معرفتی امت تمدن نوین اسلامی بپردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که علم کلام در حفظ اسلامیت امت تمدن یادشده، نقش سازنده دارد؛ پس می‌توان دریافت که این امت، از حیث منابع معرفتی، وابسته به علم کلام است.

**واژگان کلیدی:** علم کلام، تمدن نوین، منابع معرفتی، عقل، وحی.



\* دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، پژوهشکده الهیات و معارف اسلامی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران، [ekf474@yahoo.com](mailto:ekf474@yahoo.com)

## مقدمه

اصل تمدن اسلامی، پیشینه‌ای به درازای دین مبین اسلام دارد. تمدنی که پیامبر اسلام ﷺ بنا نهاده، تمدنی مبتنی بر دین و آموزه‌های دینی است که همه تاروپود آن، بر محور حکمت و آموزه‌های اسلامی شکل یافته است. با این فرض، تمدن اسلامی از همه خصوصیات تمدن الهی، با محوریت آموزه‌های وحیانی و اتکای بر سنت نبوی ﷺ، برخوردار است؛ از این رو، تمدن بنانهاده از سوی پیامبر اسلام، تمدنی فراگیر تلقی می‌شود که توحید جوهره اصلی و ممتاز آن است؛ بنابراین، بنیان و منابع تمدن اسلامی را باید در خود اسلام جست‌وجو کرد، نه بیرون از آن. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بهره‌بری امام خمینی علیه السلام، و طرح نظم نوین جهانی، فصل نوینی از تمدن اسلامی مطرح شد؛ تاجایی که مقام معظم رهبری علیه السلام در نقشه‌ای جامع، اهداف نظام اسلامی را به‌معنای پیشرفت دانستند و از پیشرفت نیز به تمدن نوین اسلامی تعبیر کردند و هدف ملت ایران و انقلاب اسلامی را ایجاد تمدن نوین اسلامی، مشتمل بر امت واحده اسلامی، خواندند. این تمدن -با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیاتش که دارد- در امتداد تمدن اسلامی نبوی است و نمی‌تواند مبنایی مغایر با مبانی آن داشته باشد؛ به‌همین دلیل، تمدن نوین اسلامی افزون بر ابتدای بر دین، لازم است در تحقق و استقرار خود با علوم اسلامی، مانند علم کلام، مرتبط باشد. درباره چگونگی این ارتباط و وابستگی، پژوهش قابل‌اعتنایی صورت نگرفته است. تحقیق پیش‌رو، در تلاش است برای معرفت‌افزایی درباره لایه‌های تمدن نوین اسلامی، با ابزار کتابخانه‌ای و روش کیفی، به‌واکاوی نقش علم کلام در منابع معرفتی امت تمدن نوین اسلامی بپردازد و به این پرسش که چگونه منابع معرفتی امت در این تمدن از علم کلام استخراج می‌شوند، پاسخ دهد. فرض بر این است که تمدن نوین اسلامی، مشتمل بر جامعه متمدن اسلامی است که آن جامعه با توجه به خصوصیاتش به منابع معرفتی، نظیر وحی و عقل، نیاز دارد که هر یک از آن‌ها، جزء مبانی و پیش‌فرض‌های امت در تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شوند و در علم کلام موردتخلیل و ارزشیابی قرار می‌گیرند.

### ۱. پیشینه تحقیق

با توجه به تحقیقاتی که به‌عمل آمده است، پژوهشی که کاملاً با عنوان و محتوای این مقاله یعنی «واکاوی نقش علم کلام در منابع معرفتی امت تمدن نوین اسلامی»

همخوانی داشته باشد، انجام نشده است؛ اما پژوهش‌هایی صورت گرفته که همسو با مقاله پیش‌رو است و در اینجا به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. کتاب ظرفیت‌های تمدنی علم کلام در گفت‌وگو با دکتر محمدتقی سبحانی: عباس حیدری‌پور، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹؛
  ۲. مقاله ظرفیت‌های دانش کلام در مطالعات تمدنی: محمدتقی سبحانی، فصلنامه نقد و نظر، سال نوزدهم، شماره سوم، ۱۳۹۳، ۴-۱۸؛
  ۳. مقاله نقش علوم انسانی اسلامی در تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری: مهدی ابوطالبی، فصلنامه: تحقیقات بنیادین علوم انسانی، سال سوم، شماره ۱، پیاپی ۶، سال ۱۳۹۶، ۹۷-۱۲۳؛
  ۴. مقاله ویژگی‌های بنیادین شکوفایی تمدن اسلامی: توفیقی بودن و وحدت فرهنگی: جبار رحمانی و محمدرضا جعفرآقایی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۱۴ و ۱۵، سال ۱۳۹۰، ۱۰۰-۱۱۳؛
  ۵. مقاله بازشناسی و تحلیل پیش‌انگاره‌های تحقق تمدن نوین اسلامی با رویکرد کلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای: اسداله کرد فیروزجائی، فصلنامه: مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، شماره ۱، شماره پیاپی ۵، سال ۱۳۹۹، ۳۰۵-۳۲۸؛
  ۶. مقاله اعتبارسنجی کارکرد معرفتی عقل با تأکید بر دیدگاه شیخ مفید: اسداله کرد فیروزجائی، دوفصلنامه عقل و دین، سال یازدهم، شماره بیستم، ۱۳۹۸، ۱۲۵-۱۴۸.
- هریک از پژوهش‌های یادشده، به بخشی از زوایای موضوع پرداختند؛ اما نتوانستند نقش علم کلام را در منابع معرفتی تمدن نوین اسلامی به‌درستی به تصویر کشند.

## ۲. مفاهیم

### ۲-۱. علم کلام

مرحوم مطهری در تعریف علم کلام می‌نویسد: «علم کلام یکی از علوم اسلامی است که درباره عقاید اسلامی، یعنی آنچه از نظر اسلام باید به آن‌ها اعتقاد داشت، بحث می‌کند و درباره آن‌ها توضیح می‌دهد و برای اثبات آن عقاید، با دلایل عقلی و نقلی، استدلال و از آن‌ها دفاع می‌کند.» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۶۲). جامعیت این تعریف چند وجه دارد:

۱. تعریف ذکرشده، مرکب از موضوع، روش و غایت علم کلام است که هریک می‌توانند فصل مایز این علم نسبت به سایر علوم باشند؛ حال آنکه بسیاری از تعاریف مشابه، از این ویژگی و تعدد فصول مایز محروم‌اند.
۲. در این تعریف هم به روش عقلی اشاره شده است و هم روش نقلی؛ به این معنا که متکلم به فراخور ویژگی‌های مخاطب، اگر نیاز به استدلال برهانی و عقلی باشد، استدلال عقلی می‌کند و اگر نیاز به روش نقلی باشد، از نقل بهره می‌برد؛ در صورتی که بسیاری از متکلمان، فقط به استدلال عقلی (ابن خلدون، ۱۹۷۸ م: ۴۵۸؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ص ۱۶۵) یا تنها به روش نقلی (صدوق، ۱۳۷۳: ۴۵) پرداخته‌اند. یکی از محققان در تکمیل تعریف شهید مطهری می‌نویسد: «علم کلام دانشی است که به استنباط، تنظیم و تبیین معارف و مفاهیم دینی می‌پردازد و براساس شیوه‌های مختلف استدلال، اعم از برهان، جدل و خطابه، گزاره‌های اعتقادی را اثبات و توجیه می‌کند و به اعتراضات و شبهات مخالفان دین پاسخ می‌دهد.» (خسروپناه، ۱۳۸۳: ۴).

## ۲-۲. تمدن نوین اسلامی

واژه تمدن در لغت فارسی به معنای شهرنشینی، خوی شهری گزیدن و به اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش، آمده است (عمید، ۱۳۷۸، ج ۱: ۶۱۵؛ ر.ک. بهمنی، ۱۳۹۹: ۳۱)؛ اما در اصطلاح، می‌توان آن را نوعی نظم اجتماعی دانست که نتیجه آن، امکان خلاقیت فرهنگی و جریان آن در لایه‌های جامعه است (دورانت، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۰؛ بابایی، ۱۳۹۳: ۳۹). ابن خلدون نیز تمدن را به حالت اجتماعی انسان اطلاق می‌کند و اجتماع انسان را مفهومی می‌داند که باید از آن به مدنیت یاد کرد (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۱).

تمدن‌ها، به صورت عام و کلی، دارای اشکال مختلفی هستند که هریک به تناسب ویژگی‌هایی که دارند، از یکدیگر تمیز داده می‌شوند. تمدن اسلامی نیز براساس ویژگی‌های دین اسلام و ارزش‌ها و باورهای این دین است؛ از این رو، می‌توان گفت تمدن اسلامی مجموعه افکار، عقاید، هنرها و صنایع است که با الهام از آموزه‌های دینی به دست مسلمانان پدید آمده است. تمدن نوین اسلامی نیز عبارت است از

ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند و نوین امت اسلامی؛ براین اساس، تمدن نوین اسلامی درصدد این نیست که زندگی گروه و دسته خاصی از انسان‌ها را از نظر معنوی و مادی نجات دهد؛ بلکه درصدد است نجات‌بخش حیات امت اسلامی باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

وجوه نو بودن تمدن نوین اسلامی:

- این تمدن در امتداد تمدن اسلامی است؛ اما نسبت به آن نوتر است.  
- این تمدن نسبت به تمدن کنونی غربی نیز نو و جدید است؛ زیرا تنزل اخلاق، فرهنگ و امثال آن در غرب بیان‌کننده افول تمدن در آن سرزمین است.  
بدین سان، نظم نوینی در جهان در حال شکل‌گیری است که تمدن نوین اسلامی از شاخص‌های مهم و اصلی آن است (ابوطالبی، ۱۳۹۶: ۱۰۱).  
براساس فرموده‌های مقام معظم رهبری (مدظله)، تمدن نوین اسلامی دارای دو بخش است:

۱. بخش ابزاری، شامل صنعت، اقتصاد، سیاست، اقتدار و مانند آن، که بسیار مهم است.  
۲. بخش محتوایی و اصلی، شامل سبک زندگی، خانواده، اعتقادات، الگوی مصرف، رفتار با خانواده و مانند آن، که تشکیل‌دهنده محتوای اصلی تمدن نوین اسلامی هستند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

### ۲-۳. امت

در اصطلاح، امت جماعتی از مردم است که خداوند برای آنان پیامبری مبعوث کرده و آنان به او ایمان آورده و از این رو، با خداوند پیمان بسته و با او ارتباط یافته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۹۸).

در این مقاله، منظور از امت جماعتی از مردم هستند که جامعه متمدن اسلامی را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، امت اسلامی نوعی یکسان‌سازی اجتماعی است که از ترکیب عناصر گوناگون قومی و فرهنگی شکل یافته و از عوامل مهم شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است (ولایتی، ۱۴۰۱: ۳۱؛ رحمانی و جعفرآقایی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). پس امت با قید واحد بودن، عبارت است از یک اجتماع هماهنگ، براساس اهداف و مرزهای اسلامی مشخص، که علت محدثه و مبقیه آن ایمان اسلامی است.

### ۳. منابع معرفتی امت در تمدن نوین اسلامی

هرچند ممکن است تمدن نوین اسلامی، در ابتدای رویش و زمان رشد ابتدایی و تدریجی اش، به وجود امت وابسته نباشد؛ اما در مقام استقرار، عمق یابی، توان بخشی تمدنی و همچنین فراگیر شدن، به طور جدی به شکل گیری امت اسلامی نیازمند است تا به آن هویت دهد. با این وصف، می توان دریافت که جامعه متمدن اسلامی با وجود امت اسلامی شکل می گیرد و با آن زنده است؛ بنابراین، امت اسلامی با الهام از دین و مبانی دینی، جامعه متمدن اسلامی را شکل می دهد و می سازد. امت اسلامی با ویژگی دین مداری اش، ملزم و متعهد به عقاید دینی، اخلاق اسلامی و احکام شرعی خواهد بود که فهم و ادراک هریک از آن ها نیز به منابع معرفتی نیازمند است. منظور از منابع معرفتی در این تحقیق، منابع مرتبط با علم کلامی هستند که فهم و ادراک آموزه های دینی، مانند عقاید، اخلاق و احکام، از آن ها منبعث می شوند. به همین مناسبت، در اینجا به برخی از آن ها پرداخته می شود.

#### ۳-۱. منبع معرفتی وحی

همواره وحی رابطه ناشناخته و مستقیم میان انسان ها با خداوند بوده است. طبیعی است که معرفت زایی وحی و آگاهی بخشی آن، مصون از خطا خواهد بود؛ زیرا وحی در علم کلام، تفهیم مطالبی از جانب خداوند به بنده برگزیده ای است که مأمور هدایت مردم است، [این نوع تفهیم مطالب] از راه حس، عقل، حدس و امثال آن [میسر نیست؛ بلکه از طریق غیرعادی است.].» (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۲۱). علامه طباطبایی نیز در معنای وحی می نویسد: «وحی یک نوع سخن گفتن آسمانی است که از راه حس و تفکر عقلی درک نمی شود؛ بلکه درک و شعور دیگری است که گاهی در برخی از افراد [مانند پیامبران] به مشیت الهی پیدا می شود و دستورات غیبی را که از حس و عقل پنهان است، از وحی و تعلیم الهی دریافت می کنند.» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۸۵).

از آنچه گذشت، می توان دریافت که وحی به دو قسم کلی تقسیم می شود:

۱. وحی تکوینی: همان صفات و استعداد های درونی و هستی شناسانه ای است که خداوند در موجودات قرار داده است؛ مانند وحی به زنبور عسل؛
۲. وحی تشریحی: این نوع وحی به پیامبران نازل می شود و بیانگر رابطه خاص

آن‌ها با خداوند است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۴۹۱).

وحی موردنظر در این تحقیق، وحی تشریحی است نه تکوینی؛ زیرا وحی تشریحی است که عهده‌دار اصلی هدایت جامعه انسانی است. هرچند هدایت تکوینی در فطرت انسان نهاده شده است؛ اما وحی تشریحی است که از طریق تعلیم و تربیت، وضع قوانین، پندواندرز و مانند آن، متکفل هدایت انسان و متعهد به آن است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵: ۴۲). بنابراین، یکی از منابع مهم و متقن معرفتی امت اسلامی در جامعه متمدن اسلامی، وحی تشریحی است و با استفاده از این منبع، بسیاری از مسائل اعتقادی، اخلاقی و احکام اسلامی تولید و مدلل می‌شوند. صحت و سقم و جرح و تعدیل این منبع قیّم و ارزشمند که از سوی امت اسلامی در جامعه متمدن اسلامی به کار گرفته می‌شود، پیش‌تر در علم کلام، در حکم پیش‌فرض، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر، عمل به دستورات وحی در جامعه متمدن اسلامی، بنیان و ریشه‌ای کلامی دارد؛ بدین معنا که قبل از عمل به وحی، لازم است در علم کلام ثابت شده باشد که وحی، هم از حیث مفاد و هم الفاظ، از طرف خدا صادر شده و نیز خداوند نسبت به کلماتی که در قرآن وجود دارند، دلالت خاصی را در نظر گرفته است (هادوی تهرانی، ۱۳۷۷: ۳۴-۳۵).

از همه این مباحث که مربوط به منبع معرفتی وحی هستند، در علم کلام نیز بحث می‌شود. این امر نشان می‌دهد که اگر این امت بخواهد در توان بخشی تمدن نوین ایفای نقش کند، باید خود را در تحلیل منبع معرفتی وحی، وام‌دار علم کلام بداند.

### ۲-۳. منبع معرفتی عقل

یکی از منابع معرفتی امت اسلامی در تمدن نوین، عقل است و مقصود از عقل، مرکز شعور و شناخت انسان است؛ البته نه مطلق شناخت‌ها، بلکه شناخت‌هایی که از طریق تفکر برای انسان حاصل می‌شود؛ به عبارت دیگر، عقل آن چیزی است که در مدرکات حسی، وهمی و خیالی انسان غور می‌کند و صحیح را از ناصحیح بازشناسی می‌کند (مظفر، ۱۳۷۹: ۱۴).

عقل از نگاه گونه‌شناسی به دو گونه تقسیم می‌شود:

### ۳-۲-۱. عقل به اعتبار هستی‌شناختی

عقل به اعتبار هستی‌شناختی، به دو قسم می‌شود: عقل فطری و عقل اکتسابی. عقل فطری آن است که خداوند آن را در مقام خلقت انسان در او تعبیه کرده است. این عقل استعداد رشد و بالندگی دارد که حکما از آن به عقل هیولانی تعبیر می‌کنند (ابن سینا، بی‌تا، ج ۲: ۳۹؛ ملاصدرا، بی‌تا: ۲۹۸؛ شهرزوری، بی‌تا: ۴۳۶). عقل اکتسابی آن است که با تجربه و رشد عقل فطری ایجاد می‌شود.

عقل به اعتبار هستی‌شناختی الهام‌یافته از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام است که می‌فرماید: «الْعُقْلُ عَقْلَانِ عَقْلُ الطَّبِيعِ وَ عَقْلُ التَّجْرِیَةِ وَ كِلَاهُمَا یُؤَدِّیْ اِلَی الْمُنْفَعَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵: ۶)؛ عقل بر دو گونه است عقل فطری و عقل اکتسابی [که در طول حیات بر اثر تجارب زندگی برای بشر حاصل می‌شود] که هر دو لازمه حیات و موجب کسب منفعت [از سرمایه عمر] است.

این دو قسم از عقل، از نگاه بسیاری از الهی‌دانان، منبع معرفتی عقل محسوب نمی‌شوند (مفید، ۱۴۳۱ ق: ۶۰)؛ زیرا در عقل فطری برای رسیدن به معروف، هیچ اراده یا تعقلی وجود ندارد و اساس آن، نوعی از خلقت است که خدا در انسان تعبیه کرده است؛ حال آنکه در معرفت عقلی، اراده و اکتساب نظری لازم است.

عقل فطری و اکتسابی را می‌توان به مثابه یکی از منابع معرفتی مستقل، به‌عنوان معرفت فطری، نام برد که خود، بحث جداگانه‌ای می‌طلبد.

### ۳-۲-۲. عقل به اعتبار معرفت‌شناختی

عقل، از حیث معرفت‌بخشی و ادراک واقعیت خارجی، به دو قسم تقسیم می‌شود: عقل نظری و عقل عملی (بهمنیار، بی‌تا: ۸۱۲). عقل نظری آن است که به ادراک کلیات می‌پردازد که نتیجه آن ادراک، علم و معرفت است؛ مانند گزاره «خدا وجود دارد» یا «جهان حادث است»؛ اما عقل عملی آن است که انسان با استفاده از عقل نظری به جایگاهی برسد که بتواند تشخیص دهد، کدام عمل را انجام دهد و کدام را انجام ندهد (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۵۳-۵۵)؛ مانند گزاره «عدالت خوب است و باید انجام داد» یا «ظلم بد است و نباید انجام داد»؛ از این رو، می‌توان گفت قاعده حسن و قبح عقلی که از عقل عملی نشأت می‌گیرد، بیشتر در عرصه اخلاق کارکرد دارد؛ به‌همین دلیل، عقل عملی در پرورش اخلاق امت تمدن نوین اسلامی می‌تواند منبع

معرفتی مناسبی باشد.

#### ۴. کارکرد منبع معرفتی عقل در امت تمدن نوین اسلامی

عصر تمدن نوین اسلامی، عصر پویایی، نوزایی معرفتی و عصر درنوردیدن و فهم علوم انسانی اسلامی و انطباق آن با مبانی دینی است؛ بدین سبب، منابع معرفتی امت اسلامی به‌ویژه معرفت عقلی در این عرصه اهمیت خواهد داشت؛ زیرا در جامعه متمدن اسلامی رکود علم، اخلاق، عقاید و احکام شرع معنایی ندارد و امت اسلامی باید در این حوزه‌ها به اوج برسد. بدین سان، بیشترین بهره از منبع معرفتی عقل برده خواهد شد.

نکته قابل توجه اینکه، چگونه ممکن است عقل از مسائل کلامی شمرده شود و در حوزه علم کلام قرار گیرد؟ در پاسخ می‌توان گفت مسئله کلامی انگاری عقل بستگی به کاربرد آن دارد؛ بنابراین، اگر متکلمان از عقل برای تصحیح، تبلیغ، اثبات و دفاع از باورهای دینی استفاده کنند، در این صورت، عقل از مسائل کلامی خواهد بود. هرچند عقل از حیث دیگری می‌تواند از مسائل معرفت‌شناسی باشد، اما اگر متکلم با نگاه دین‌مدارانه به عقل نگاه کند و از آن استفاده کند، در این صورت، عقل از مسائل کلامی خواهد بود (مسعودی و استادی، ۱۳۸۹: ۱۲).

نکته دیگر اینکه، بی‌توجهی به منبع معرفتی عقل در امت تمدن نوین اسلامی عوارض فراوانی خواهد داشت؛ از جمله اینکه می‌تواند امت را به سوی اخباری‌گری سوق دهد که این خلاف اهداف تمدن نوین اسلامی است. همچنین فقدان منبع معرفتی عقل و یا عدم بهره‌برداری درست از آن باعث می‌شود که دینداری امت تمدن نوین اسلامی، در حوزه‌های عقاید، اخلاق و احکام، ناقص و یا ناتمام بماند (متولی امامی، ۱۳۹۸: ۱)؛ از این رو، امت تمدن نوین اسلامی ناگزیر است که از منبع معرفتی عقل بهره گیرد. با وجود عقل است که بنای فیزیکی تمدن نوین اسلامی ساخته می‌شود و پلی میان دین و نیاز انسان نوین زده می‌شود؛ بدون اینکه یکی به نفع دیگری قربانی شود. با همین منبع است که دین همچنان پویا می‌ماند؛ بدون اینکه چیزی از نیازهای معرفتی نوین انسان بدون پاسخ بماند. امت تمدن نوین اسلامی، بدون زندگی عقل‌مدارانه هرگز نمی‌تواند به استقرار تمدن نوین اسلامی امیدوار باشد. در اینجا به نمونه‌هایی از کارکردهای منبع معرفتی عقل در امت تمدن نوین

اسلامی پرداخته می‌شود (رشاد، ۱۳۸۵: ۱۱-۳۸):

**الف) زایش معرفت:** یکی از ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی آن است که بتواند برای امت متمدن، معرفت‌های نو و خردورزانه تولید کند؛ زیرا جامعه متمدن اسلامی، از نظر معارف و جهان بینی، در حال رقابت با تمدن غرب است و تولید معرفت نوین براساس مبانی اسلام، از اهمیت بالایی برخوردار است. با این وصف می‌توان دریافت که از جمله نیازهای مهم امت در تمدن نوین اسلامی، تولید معرفت و اندیشه نوین است و یکی از کارکردهای منبع معرفتی عقل - به‌ویژه عقل نظری - معرفت‌زایی و اکتشاف‌گری است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲: ۱۴۸ و ۱۸۰؛ همان، ج ۸: ۵۵)؛ زیرا همانطور که جامعه متمدن اسلامی به تولید ابزار ثروت، سرمایه و قدرت در حوزه سخت‌افزاری نیاز دارد، از لحاظ نرم‌افزاری نیز به تولید فکر و اندیشه و اکتشاف‌گری در حوزه معارف و اندیشه دینی نیازمند است. عقل باعث تولید و ترویج معرفت و زایش دانش نوین در حوزه عقاید، اخلاق و احکام می‌شود و انسان جامعه متمدن اسلامی می‌تواند با به‌کارگیری عقل، به معرفت‌ها و دانش‌هایی دست یابد که قبل از ادراک عقلی، فاقد آن بود؛ بنابراین، عقل می‌تواند مستقلاً تولید معرفت کند (علی‌تبار، ۱۴۰۰: ۱۳۶).

بدین‌سان، می‌توان گفت عقل کارکرد منبعی دارد؛ به این معنا که گزاره‌ها و قواعدی که تولید می‌کند، حجیت ظاهری دارند؛ زیرا با دلالت یقینی تولید معرفت می‌کند و این حیث استقلالی عقل است و الهام‌یافته از آیات قرآن کریم است: «كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره: ۷۳)؛ خداوند این‌گونه مردگان را زنده می‌کند و آیات خود را به شما نشان می‌دهد؛ شاید اندیشه کنید! «أَفَ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء: ۶۷)؛ اف بر شما و بر آنچه جز خدا می‌پرستید! آیا اندیشه نمی‌کنید (و عقل ندارید)؟

از نگاه مفسران نیز از جمله کارکردهای عقل معرفت‌زایی و مولد بودن در کنار نقل است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۸: ۳۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۵: ۲۲۴). از آنچه گذشت، می‌توان دریافت که گزاره «خدا وجود دارد» که اصل‌الاصول دین محسوب می‌شود و از تولیدات دست اول عقل است و با این تولید، گزاره‌های بعدی اصول دین، مانند لازم بودن پیامبر و امام یا ضرورت داشتن معاد، به‌دست می‌آیند؛

زیرا خدای موجود به دلیل عقلی، با توجه به عادل بودن و حکیم بودنش، قطعاً مردم را بدون راهنما و امام رها نمی‌سازد؛ به همین سبب، نبوت و امامت شکل می‌گیرد و نیز با معاد، بدکاران را بدون جزا رها نمی‌سازد. پس گزاره «خدا وجود دارد» فقط با منبع معرفتی عقل به دست می‌آید، نه منبع معرفتی دیگری مانند وحی؛ زیرا اثبات وجود خدا با منبع معرفتی نقل، مانند آیات و روایات، باعث دور باطل می‌شود. چنانکه گفته می‌شود سرباز زدن از عقل در مسائل معرفتی، نوعی تقلید کورکورانه است (مفید، الف، ۱۴۱۳ ق: ۷۲). با این اوصاف، محصول این بحث این خواهد بود که منبع معرفتی از حیث زایش علم و معرفت در جامعه متمدن اسلامی برای امت اسلامی بسیار مهم و حائز اهمیت است؛ زیرا با زایش و تولید معرفت نوین است که می‌توان با تمدن غرب مقابله کرد.

**ب) معناگری نقل:** افزون بر اینکه عقل می‌تواند حیثیت زایش و مولد بودن داشته باشد، می‌تواند با استدلال و اقامه برهان به سایر حجت‌ها، مانند حجت‌های نقلی، حجیت ببخشد و حجیت آن‌ها را اثبات کند و به خدمت دیگر حجت‌ها درآید؛ بنابراین، در بسیاری از مواقع محتوای کتاب و سنت با کمک عقل معنا، تفسیر و تبیین می‌شوند که از آن به کارکرد معناگری نقل به دست عقل تعبیر می‌شود. چنانکه شیخ مفید می‌نویسد: «از راه‌های فهم و معنایابی قرآن و اقوال معصومین (ع)، تعقل و تفکر در آن‌ها است.» (مفید، ب، ۱۴۱۳ ق: ۲۸). یکی از پیروان شیخ مفید نقل می‌کند که ایشان عام نقلی را با عقل تخصیص می‌زد (کراجکی، بی‌تا: ۱۵-۱۶).

خداوند متعال نیز در قرآن کریم به معنا شدن منبع معرفتی نقل (قرآن) به دست منبع معرفتی عقل اشاره دارد و می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف: ۲)؛ ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، شاید شما درک کنید (و بیندیشید)! از این آیه استفاده می‌شود که با تعقل می‌توان قرآن را - که به زبان عربی فصیح نازل شده است - فهمید و معنایش این خواهد بود که با منبع معرفتی عقل می‌توان دیگر منابع معرفتی، مانند قرآن و روایات، را فهمید و معنا کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۱: ۷۵). می‌توان دریافت که معناگری عقل از مصادیق کارکرد ابزاری عقل است که در این صورت، در خدمت نص دینی و یا نص نقلی قرار می‌گیرد و نص را تفسیر و معنا می‌کند (علی‌دوست، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

ج) سنجشگری حق و باطل: یکی از کارکردهای منبع معرفتی عقل، سنجشگری و راستی‌آزمایی است؛ بدین معنا که اگر از منبعی، مانند قرآن یا روایات، معرفتی به دست آمد، عقل می‌تواند آن را درستی‌آزمایی و معناسنجی کند که آیا معنایش درست است یا نه. عقل در این مقام مولد معرفت نیست؛ بلکه محصول سایر منابع معرفتی را ارزشیابی، آسیب‌شناسی و موردنقد و کاوش قرار می‌دهد. درواقع عقل می‌تواند سایر علوم، به خصوص علوم انسانی رایج را موردارزیابی و کاوش قرار دهد. این کارکرد منبع معرفتی عقل را می‌توان از این آیه شریفه قرآن نیز استنباط کرد که می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۷-۱۸)؛ پس بندگان مرا بشارت ده که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند.

مفاد این آیه شریفه عبارت است از بشارت دادن به بندگانی که همه گفته‌ها، نوشته‌ها، اندیشه‌ها و مانند آن را می‌شنوند و می‌بینند و سپس با منبع معرفتی عقل، صحت و سقم آن‌ها را تشخیص می‌دهند و با سنجشگری، صحیح‌ترین آن‌ها را گزینش می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۷: ۲۵۱؛ مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ۶۹۳). فخر رازی، از مفسران مشهور اهل سنت، در ذیل این آیه شریفه می‌نویسد: «هدایت و رستگاری بستگی به این دارد که انسان چیزهای زیادی بشنود و از میان آن‌ها، بهترین و صحیح‌ترین را انتخاب کند. روشن است که تمیز بهترین و صحیح‌ترین، بدون شنیدن و بدون به‌کارگیری عقل و استدلال امکان‌پذیر نیست.» (رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۶: ۴۳۷)؛ بنابراین، سنجشگری منبع معرفتی عقل می‌تواند در امت تمدن نوین اسلامی، نقش مهم و اساسی داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش در «واکاوی جایگاه علم کلام در منابع معرفتی امت تمدن نوین اسلامی» موارد زیر را نشان می‌دهد:

۱. امت تمدن نوین اسلامی با توجه به دیانت و تعهد اسلامی، ملزم به رعایت آموزه‌های دین، مانند عقاید، اخلاق و احکام، است که دستیابی و عمل به هر یک از آن‌ها، مستلزم منابع معرفتی متناسب، همچون وحی و عقل، است که آن‌ها نیز در علم کلام موردبحث و مذاقه علمی قرار می‌گیرند.

۳. وحی از منابع متقن معرفتی امت تمدن نوین اسلامی است که از حیث صحت

در صدور و دلالت، به مثابه اصل موضوع در علم کلام بحث می‌شود و تا زمانی که صحت صدور آن از طرف خدا در علم کلام به اثبات نرسد، در هیچ‌یک از آموزه‌های دین، اعم از عقاید، اخلاق و احکام، قابل استناد نخواهد بود.

۳. عقل منبع معرفتی دیگر امت تمدن نوین اسلامی است که مرکز تولید شعور و شناخت انسان را شکل می‌دهد و به دو اعتبار هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی تقسیم می‌شود. عقل به اعتبار هستی‌شناختی - که مشتمل بر عقل فطری و عقل اکتسابی است - اگرچه از نوع معرفت فطری محسوب می‌شود؛ اما منبع معرفتی مورد بحث در این مقاله نیست.

۴. عقل به اعتبار معرفت‌شناختی در عرصه‌های مختلف، نظیر تولید و زایش معرفت نوین و نو، معناگری نقل و یا دیگر منابع معرفتی و نیز سنجشگری دیگر معرفت‌های به‌دست‌آمده، می‌تواند در اختیار امت تمدن نوین اسلامی باشد.

#### کتابنامه

قرآن کریم، ناصر مکارم شیرازی.  
ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۹۷۸ م). مقدمه ابن خلدون. بیروت، دار الکتب العربی.  
ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. (بی‌تا). الشفاء. قم، مکتبه آیت‌الله مرعشی.  
ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت، دار صادر.  
ابوطالبی، مهدی. (۱۳۹۶). نقش علوم انسانی اسلامی در تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۱(۳)، ۶-۱۲۳-۹۷.  
آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ ق). روح المعانی. بیروت، دار الکتب العلمیه.  
بابایی، حبیب‌الله. (۱۳۹۳). کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بهمنی، محمد. (۱۳۹۹). در آستانه تمدن. تهران، آفتاب توسعه.  
بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.  
ترکی، عبدالمجید. (۱۳۶۴). اجماع امت مؤمنان. تهران، تحقیقات اسلامی.  
تفتازانی، سعدالدین. (۱۴۰۹ ق). شرح المقاصد. قم، الشریف المرتضی.  
جرجانی، سید شریف. (۱۴۱۹ ق). التعریفات. بیروت، دار الفکر.  
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). هدایت در قرآن. قم، اسراء.  
حیدری‌پور، عباس. (۱۳۹۹). ظرفیت‌های تمدنی علم کلام در گفت‌وگو با محمدتقی سبحانی. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۳). کلام نوین. قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.
- دورانت، ویلیام جیمز. (۱۳۸۵). تاریخ تمدن. (احمد آرام و دیگران، مترجمان). تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت، دار القلم.
- رحمانی، جبار، و جعفرآقایی، محمدرضا. (۱۳۹۰). ویژگی‌های بنیادین شکوفایی تمدن اسلامی: تلفیقی بودن و وحدت فرهنگی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۱۴ و ۱۵، ۱۱۳-۱۰۰.
- رشاد، علی اکبر. (۱۳۸۵). گستره کارکرد و کاربرد عقل در تفهیم و تحقیق دین، مجله فقه و حقوق، ۸.
- سبحانی، محمدتقی. (۱۳۹۳). ظرفیت‌های دانش کلام در مطالعات تمدنی، فصلنامه نقد و نظر، ۳(۱۹)، ۱۸-۴.
- شرتونی، سعید. (۱۳۷۴). اقرب الموارد. قم، دار الاسوه.
- شهرزوی، شمس‌الدین. (بی‌تا). رسائل الشجره الالهیه فی علوم الحقائق الربانیه. تهران، مؤسسه حکمت و فلسفه ایران.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۱). اعتقادات (سید محمدعلی حسنی، مترجم). تهران، انتشارات رضوی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۵). قرآن در اسلام. قم، انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- علی تبار، رمضان. (۱۴۰۰). ظرفیت‌های منبعی و ابزاری عقل در تولید علم دینی، ۲(۱)، ۱۵۰-۱۳۰.
- علی دوست، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). مصادر فقه (عقل و عرف). قم، جامعه المصطفی.
- فارابی، ابونصر. (۱۴۰۵ ق). فصول منتزعه. تهران، الزهرا.
- کراجکی، محمد بن علی. (بی‌تا). کنز الفوائد. قم، دار الذخائر.
- کرد فیروزجائی، اسداله. (۱۳۹۹). بازشناسی و تحلیل پیش‌انگاره‌های تحقق تمدن نوین اسلامی با رویکرد کلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۱(۳)، ۵-۳۲۸-۳۰۵.
- کرد فیروزجائی، اسداله. (۱۳۹۸). اعتبارسنجی کارکرد معرفتی عقل با تأکید بر دیدگاه شیخ مفید، دوفصلنامه عقل و دین، ۲۰(۱۱)، ۱۴۸-۱۲۵.
- متولی امامی، سید محمدحسین. (۱۳۹۸). منزلت عقل در تمدن‌سازی نوین اسلامی،

- دوفصلنامه بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۲(۲)، ۴، ۲۶-۱.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مسعودی، جهانگیر، و استادی، هوشنگ. (۱۳۸۹). تأثیرات عقل فلسفی بر کلام شیعه، فصلنامه شیعه‌شناسی، ۲۹، ۲۶-۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۶۷). راهنماشناسی. قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). مجموعه آثار: ج ۲۲. تهران، صدرا.
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۹). المنطق. قم، دار العلم.
- مفید، محمد بن نعمان. (الف، ۱۴۱۳ ق). المسائل السرویه. قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- مفید، محمد بن نعمان. (ب، ۱۴۱۳ ق). مختصره التذکره باصول الفقه. قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۳۱ ق). تصحیح الاعتقادات الامامیه. بی‌جا، دار المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (بی‌تا). المبدأ و المعاد. تهران، مؤسسه حکمت و فلسفه ایران.
- ولایتی، علی‌اکبر. (۱۴۰۱). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم، دفتر نشر معارف.
- هادوی تهرانی، مهدی. (۱۳۷۷). مبانی کلامی اجتهاد. قم، مؤسسه فرهنگی خانه خرد.